در تاریخ ۰۱ خرداد ۱۴۰۱
فقه هنر (1400-1401)

جلسه 21

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

فقه هنر؛ غنا و موسیقی

مطلبی که هست این که برخی از علما روایات دال بر جواز را حمل بر تقیه کردند ...

روایت از ابوبصیر است؛ رجع القرآن صوتک فان الله عزوجل یحب الصوت الحسن یرجع فیه ترجیعا ؛ قرآن را با ترجیع صوت بخوان ...و ترجیع صوت هم که بنا شد غنا باشد ... شیخ حر عاملی این روایت را که دیده به این نتیجه رسیده که دال بر جواز غنا هست ضمن این که شیخ حر مدعی بوده تمام روایات وسائل مقطوع الصدور بوده است ... ایشان وقتی این روایت را می بیند چند جواب میدهد ...

شیخ حر راجع به این روایت چند جواب می دهد که پنجمی آن ها این است که :

درست است که این روایت از امام علیه السلام صادر شده است اما موافق مذهب عامه است.

پس باید حمل بر تقیه کنیم و به معارض این روایت عمل کنیم ...

سوال می کنیم که از سنی ها چه کسانی بودند که گفته اند جایز است؟!

می گوید:نقل قول شده به اباحه غنا از معاویه ، مغیره بن شعبه ، ابن زبیر، عبدالله بن جعفر ....

ما با همه ارادتی که به محضر شیخ داریم این را نمیتوانیم قبول کنیم از این جهت که بسیاری از اهل تسنن قائل به منع اند ...

و ایرادی که ما به استنباط شیخ داریم این که ظاهر روایت نشان نمی دهد که تقیه باشد زیرا حدیث دنباله دار هست و اگر تقیه بود به این شکل دنباله دار و در تعریف و تمجید ترجیع مطلب بیان نمی شد...

نکته ای که قابل بیان است این که روی امر تقیه باید محکم تر از این حرفها ایستاد و تقیه این قدر شل و سست نیست...

و نکته دیگر راجع به افراد باید نسبت به تاریخ اقوال آنها حساس باشیم و هر گفته ای را از هر کس با توجه به تاریخ زندگی او مد نظر قرار دهیم تا از اشتباهات استنباطی پرهیز کنیم ...

و بالاخره این که گاه ائمه تقیه نمی کردند بلکه جوابی که به آن ها می دادند بر اساس فقه آنها بوده و ....

این ها را باید دقت داشت و هر عملکردی از ائمه علیهم السلام را حمل بر تقیه نکرد ...

سوال این است که بالاخره در فقه شیعه ما حرمت غنا را داریم یا نه ؟آیا اگر داریم،این امر اتفاقی است یا نه؟ برخی بر این اعتقادند ...

اگر کسی به شما بگوید با تحقیقی که داشتید به چه نتیجه ای رسیدید چه می گویید؟این که غنا فی الجمله حرام است؛ بالاتفاق ما نمی گوییم...

چرا نمیگوییم؟ درکلام سبزواری و در کلام فیض کاشانی این اتفاق بود که این ها می خواهند غنا را به اتفاق مقارنات توضیح دهند ...نه به اعتبار خودش؛ و من الان سوالم بماهو هو بود...

مگر این که مقارنات واسطه در ثبوت باشد...نه واسطه در عروض...پس این حرفی که این دو نفر می زنند که غنا خودش حرام نیست و مقارناتش حرام است؛

اگر می خواهند بگویند مقارنات وقتی آمد ،خود غنا حرام می شود، این حالت می شود واسطه در ثبوت ؛ لذا بر این اساس میتوانیم بگوییم د رفقه شیعه غنا بماهو هو حرام است بالاتفاق ولی اگر این ها می خواهند بگویند مقارناتش حرام است و خودش هیچ وقت حرام نمی شود، پس چنین اتفاقی نداریم...

آیا متوجه شدید که حرف ما با حرف آقای نراقی چقدر تفاوت دارد؟
که می گفت: ضرورة دینیة بالاتفاق ، اجماعا .....
به نظر من ، زود قضاوت شده است و روی این قضیه که گفتم دقت نشده است .
بنابراین اگر سوال شود که فیض کاشانی و یا سبزواری چه می گویند باید گفت: متاسفانه عبارت آن ها چندان گویا نیست....
شاید نهایتا بگویند واسطه در عروض است و غنا را بماهو هو حرام نمیدانند....
ما فقها را بین موسع در تفسیر غنا و مضییق در تفسیر غنا تقسیم بندی می کنیم...
ما فقهایی داریم که معتقدند کل صوت حسن هم غنا است تا کسانی که مدام آمده اند و هر بار هم یک ویژگی به ان اضافه کردند که آن را توجیه کنند....
ممکن است کسانی روی موضوع غنا به عنوان پایان نامه نگاه کنند که آمده باشد و بگویند که عده ای مطلقا حرام و عده ای مطلقا حرام نمیدانند که باید به این ها گفت باید به این نکته دقت کنید که برخی تفسیر مضیق غنا را مد نظر داشتند و برخی تفسیر موسع آن را و بر این اساس است که دو گروه شده اند ....
این گونه دقت ها د رنحوه مدیریت بحث بسیار تاثیر و دخالت دارد؛ مثلا کسی که غنا را حرام نمیداند زیرا آن ر اصوت حسن می داند و یا کسی که آن را حرام میداند از این جهت است که آن را صوت حسن نمیداند و این قضیه در بحثهای روشی به ما کمک می کند.و این که باید دید که علما روی چه موضوعی متمرکز بودند...
مطلبی که می توان گفت و روی آن قسم خورد که محض صوت حسن، غیر حرام است .....
بلکه در مثل دعا و قرائت قران چه بسا مستحب هم باشد ...
البته این نکته هم هست که گاه تشخیص صوت حسن از غنا کار دشواری است ....
و نکته دیگر این که باید دید رویکرد مطالب در فقه راجع به موضوعی رویکردی بر اساس ادله شرعی است یا جلوه ارشادی دارد ...
ما نرسیدیم به این که غنا خودموضوعیت داشته باشد..
من هنوز به بحث ادله شرعی غنا وارد نشدم و در تتبعات بحث میکنم
دخالت جنسیت خاص در حرمت ؟
سوال این است که آیا جنسیت خاص دخالت در حکم غنا دارد؟ به این معنا که بگوییم غنا حرام نیست اما مرد برای مرد وزن برای زن ....یا نه مرد را کنار بگذاریم و بگوییم در حرمت غنا همین بس که علت این است که صدای زن باشد واگر صدای زن نباشد ، غنا نیست...این را از این لحاظ مطرح می کنیم که اصل صدای زن هم مورد بحث است حتی در مورد غیر غنا ....این که آیا مرد می تواند صدای زن نامحرم را بشنود یا نه ؟ آیا زن می تواند جلوی مرد نامحرم نماز بخواند یا نه ...
این نکته را هم یاد داشته باشیم گاه برخی استنباطات ما شریعت نما است نه این که از دل شریعت باشد ....باید دقت کرد اگر امری قابلیت اجرا را ندارد من این را باید بدانم که د راستنباطم تامل کنم...نه این که استنباطم را وحی منزل تصور کنم و بگوییم جامعه خود هر کار خواست بکند ...
مطلب اساسی این است که شریعت هیچ زمانی اجرا را نادیده نمی گیرد اگر این موارد را در نظر داشته باشیم هماره در مرز اعتدال می مانیم و الا خدای ناکرده یا دچار تفریط می شویم یا افراط یا یک ژورنالیست به تمام معنا می شویم و یا یک سنتی درحد نهایت ... اگر ما قائل به حرمت غنا شدیم، مطلقا ....این که دیگر بحثی ندارد که صدای زن چه گونه باشد و یا نباشد و ...بحث را باید جایی ببریم که قائل به حرمت مطلق غنا نشویم .این جا است که بحث می شود که اگر زن باشد چه می شود؟ گاه وقتی از صدای زن بحث می شود از مقارناتش صحبت می شود مثل رقص و اختلاط زن و مرد و ...که این ها را ما نمی گوییم...در صورتی که هیچکدام از آن ها نباشد یا فارغ از آن ها باشد و فرض هم براین است که اگر زن نبود حلال بود سوال این است که آیا این جنسیت است که موضوعیت دارد ؟
راجع به این مطلب ، اگر ما قائل به این شدیم که صدای زن عورت است،
● في الوسائل: محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن هارون بن مسلم، عن مسعدة بن صدقة، عن أبي عبد الله (ع) قال: قال امير المؤمنين (ع) لا تبدأوا النساء بالسلام، ولا تدعوهنّ إلى الطعام، فإن النبي (ص) قال: النساء عَيٌّ وعورة فاستروا عيّهن

بالسکوت واستروا عوراتهنّ بالبیوت.
کشف اللثام هندی می فرمایدکه اتفاق کلمة الاصحاب علی ان صوتها عورة یجب علیها اخفائها علی الاجانب
صاحب عروه هم در بحث نماز دارد که زنان واجب نیست صدا را بلندکنند جایی که مردان هستند بلکه مخیرند بین بلندی صدا و اخفا به شرطی که اجنبی نشنود و اما با شنیدن صدا توسط اجنبی احوط اخفای آن است.احتیاط هم احتیاط واجب است ...ما سوال می کنیم از کجا میگویید یجب علیها اخفائها علی الاجانب...؟ باید سیره را دید آیا ما نباید به سیره توجه داشته باشیم؟ آیا زنان در هیچ فعالیت اجتماعی شرکت نداشتند ؟ آیا برای هیچ خریدی بیرون نمی رفتند؟ آقای خویی و حکیم مخالف این حرفها هستند ... قران اصلی را قرار میدهد و آن این که :
● يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ ۚ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا
ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویید!
ادله شرعی حرمت غنا
به نظر شما برای حرمت غنا کجا می توانیم کمک بگیریم؟برخی گفته اند: از چهار دلیل ؛ادله اربعه ...
عقل، اجماع، قرآن و روایات ...
حال من از شما سوال می کنم آیا میتوانیم از اجماع کمک بگیریم؟
مشکل است از این جهت که اولا اجماع مدرکی است و ثانیا آن قدر در موضوع غنا بما هو غنا شک داشتیم که نمی توان به نتیجه رسید ...
البته ممکن است کسی بگوید فی الجمله ولو نه بماهو هو ...که در این صورت حرمت غنا استنباط نمی شود در واقع حرمت مقارنات است ...
عقل چطور؟ یکی از آقایان گفته بود طربی که حاصل می شود از غنا کمتر از طربی که از شراب حاصل می شود، نیست. اگر شراب ازاله عقل می کند، غنا هم مفسده دارد ... اگر صحبت از عقل می کنیم باید از دریچه وجود مفسده در غنا جلو برویم ...
غنا ذومفسده است و هر ذومفسده قبیح است عقلا
پس غنا قبیح است عقلا.
و قبیح که شد، کلما حکم به العقل، حکم به الشرع
پس حرمتش استنباط می شود.
یادتان باشد که کار به حرمت عقلی نداریم کار به حرمت شرعی داریم.
گاه گفته شده :
و لذا یفعل فی هذه الحالة او شدتها ما لا یفعل فی غیرها : کسی که غنا را گوش میکند کاری می کند که دیگری در غیر این حالت انجام نمیدهد.
این دلیل اخص از مدعاست شدیدا
برای غنایی که علما می گویند نه از اجماع می توانیم کمک بگیریم و نه از عقل ؛ فقط از قرآن و حدیث می توان کمک گرفت و به نتیجه رسید.

الحمد لله رب العالمین